

حیران مانده‌اند بین حقیقت و واقعیت!

شخصیت اصلی که در بطن تمام این وقایع قرار دارد به عنوان ابزار و عکاس در حال جمع‌آوری اطلاعات و ارسال و انتشار آنهاست. او که جانبدارانه از سران جنبش سبز حمایت می‌کند در میانه راه، از هجمه اتفاقاتی همچون آتش زدن سطل زباله‌ها، راه‌پیمایی سکوت، متلاشی کردن عابر بانک‌ها و... حیران شده و شک به سان خوره به جاننش می‌افتد. از طرفی آتوسا که نقش مستقیم در تحریک صادق برای انتشار مطالب دارد، از خلأ عاطفی او سوء استفاده کرده و پیشنهاد ازدواج به او می‌دهد و او را وارد بازی به عنوان مهره معاندان می‌کند.

به تمام اینها ادعای دروغین محسن مخملباف درباره نامه‌ای جعلی خطاب به رهبر انقلاب را اضافه کنید که مثلاً می‌خواست نشان دهد «تقلب» طبق دستور رهبری انجام شده؛ بنا به ابراز نگرانی حضرت عالی مبنی بر نتیجه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و صلاح دید شخص شما برای بقای جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد بر سمت ریاست جمهوری در این برهه حساس زمانی، لذا کلیه امور به گونه‌ای برنامه ریزی شد که نتیجه اعلام شده آن گونه که به صلاح نظام و انقلاب باشد به اطلاع عموم برسد...» نامه‌ای بدون رونوشت! از يك منبع آگاه نامعلوم! با سربرگ وزارت کشور! اعداد اعلام شده در نامه همگی غلط! تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل... نگار، همسر مرحوم صادق، در سیر داستان حضور دارد و نقش متذکر و انذار دهنده را برای صادق ایفا می‌کند. در بسیاری از موقعیت‌ها در خواب و بیداری به کمک صادق آمده و تلنگرهایی به او می‌زند. کلیت ماجرای کتاب مستند است به جز برخی قسمت‌ها که برای اثربخشی به کلیت داستان، خلق شده‌اند.

حضور رهبر انقلاب در نماز جمعه بعد از انتخابات، تلنگری جدی برای صادق بود. او ریز به ریز به سخنان «آقا» گوش کرد و تا حدودی توانست حقیقت را از واقعیت تشخیص دهد. تك تك جملات را بلعید و طبیعتاً آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

مرگ ساختگی ندا آقا سلطان، حصر خانگی سران فتنه، آتش زدن مساجد، مجروحیت یارعلی و... همگی دست به دست هم دادند تا صادق متحول شود. تقدس مرده‌ها هم در این آشوب‌ها می‌شود دستاویز جدید برای عوام فریبی!

«یارعلی بیجنگر... اعتقاد دارد که ندا هم مثل علی يك قربانی است. اگرچه خودش اسم جنبش را می‌گذارد جنبش جلبک‌ها اما سفت و سخت معتقد است که همه اینها بازی خورده‌اند. می‌گوید که فقط بی‌ریشه‌ها هستند که بازی می‌خورند. می‌گوید حتی موسوی و کروبی هم بازی خورده‌اند...»

قلم شیوا و ریتم روان از نقاط قوت کتاب است که بر اشتیاق خواننده می‌افزاید. با توجه به این که این اثر يك روایت داستانی مستند است اوج و فرود آن به خوبی طراحی شده و مخاطب را خسته نمی‌کند.

آغاز چالش برانگیز و ترغیب‌کننده را هم به فهرست امتیازات کتاب بیفزایید و در کنار همه اینها تعلیقات بجا و نقطه‌زنی‌های اثرگذار را فراموش نکنید.

حسینعلی جعفری در وصف کتابش این‌طور بیان می‌کند: دقیقاً نیمه شب را می‌توان به آبی که گنجشک برای فرو نشاندن آتش نمودیان برای حضرت ابراهیم(ع) می‌ریزد، تشبیه کرد. وقایع این کتاب مستند، اما با چاشنی تخیل همراه است.

امید است که پس از این هم مجدداً شاهد انتخاب این قسم اتفاقات به عنوان سوزنه داستانی باشیم. [✚](#)



مروری بر رمان «دقیقا نیمه شب»

## رمز مشترك ۲ کودتا

✚ حجم زیاد و کاغذ بالک آن در نگاه اول منصرفتان خواهد کرد. ۵۰۷ صفحه ناقابل! از طرفی درهم تنیدگی عنوان کتاب و درخت در طراحی جلد آن، برای مدتی خیره‌نگه‌تان می‌دارد. سوره مهر است دیگر! در عین سادگی، پیچیدگی‌هایی هم دارد.

حسینعلی جعفری در آخرین اثر خود به ماجرای فتنه سال ۸۸ پرداخته است. او که پیشتر در آثار خود همسو بودنش با جبهه انقلاب اسلامی را به رخ کشیده است، در این کتاب بی‌طرفانه از فتنه می‌گوید. دانای کلی که روایت را به تصویر می‌کشد، دارای بیانی روان و خارج از اغراق است که این همراهی مخاطبان را تضمین خواهد کرد. وجه تسمیه این کتاب با عنوان «دقیقا نیمه شب» و تحقیقات اتفاقی شخصیت داستان درباره کودتای ۲۸ مرداد و شباهت رمز این دو عملیات به هم، عمدی بوده و خواسته نویسنده است!

کلافه می‌کند. پرداخت به شخصیت‌ها و همچنین صحنه، به خوبی صورت گرفته است. صحت این امر زمانی مشخص می‌شود که شما با ذهنی خالی از حوادث آن دوران کتاب را در دست گرفته و به مطالعه بپردازید، آن وقت است که هرم آتش‌ها و صدای تظاهر کنندگان را درک خواهید کرد.

مساله‌ای که در آن دوره مورد توجه عوام بود، عکس‌العمل و رفتار چهره‌های مطرح و به نام کشور بود. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «صادق می‌گردد دنبال هاشمی که همیشه او را عاقل‌تر دانسته است؛ حتی در این جور وقت‌ها. سایت‌ها نوشته‌اند که هاشمی بعد از انداختن رای خودش در حسینیه جماران گفت: انتخابات این دوره را از هر دوره حساس‌تر می‌دانم. فیلمشان هم هست و دانلود می‌کند. زن هاشمی را نشان می‌دهد که خیلی ناراحت است؛ آگه تقلب نشه، مطمئنم موسوی رای میاره و پیرزن ادامه می‌دهد؛ آگه تقلب شد، مردم بریزن تو خیابونا.» این قسم رفتارها علاوه بر تحریک و ذهنیت‌سازی، عواقیبی داشت که قابل پیش‌بینی نبود. آقای جعفری با پرداخت دقیق، موشکافانه و بی‌طرف به این وقایع، ذهنیت مخاطب را اصلاح کرده و مورا از ماست بیرون کشیده است.

حمایت‌های BBC و CNN و انتشار خبرهای کذب و فیلم‌های ساختگی، آتش مردم را شعله‌ورتر کرده است. وجود نفوذی‌ها و فتنه‌گران تشخیص‌سره از ناسره را دشوار کرده و مردم

دقیقا نیمه شب با این جمله آغاز می‌شود: «می‌خواهم خودکشی کنم. کمک می‌کنی؟» این پیامک آغازکننده تمام اتفاقات این رمان است. زاویه دید راوی، محدود به صادق قن‌دربز است و اتفاقات داستان را با این دید محدود بیان می‌کند.

صادق که شخصیت اول داستان است، سال‌ها پیش همسرش، نگار را در سانحه‌ای از دست داده و به تنهایی زندگی می‌کند تا شبی که پیامک برایش ارسال می‌شود. ابتدا آن را جدی نمی‌گیرد تا این که تکرار پیام‌ها و شکل گرفتن احساسات بین طرفین، او را برای ورود به يك بازی تحریک کرده و لیلی را وارد ماجرا می‌کند.

این وقایع با برگزاری مناظرات انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ مصادف شده و محل قرار این دو نفر از کافه‌ها به ستادهای انتخاباتی تغییر کرده است. صادق با اسم مستعار وحید و عسل با اسم مستعار لیلی جزو مهره‌های اصلی این بازی هستند و سرسختانه با جنبش سبزی‌ها همراهی می‌کنند و همانند دیگر مردم عادی غرق در شعارها و لطیفه‌ها و مهمانی‌ها شده‌اند تا این که آتوسا وارد داستان عاشقانه این دو می‌شود و صادق را برای کار دعوت می‌کند.

نویسنده با وصف جزئیات وقایع، سعی در همراه کردن مخاطب خود دارد و جای خرسندی است که در اکثر قسمت‌ها هم موفق بوده، اما در برخی موارد اطناب متن، خواننده را

زینب آزاد

روزنامه‌نگار



دقیقا نیمه شب  
نویسنده:

حسینعلی جعفری

انتشارات:

سوره مهر

۵۰۷ صفحه

۲۵۰۰۰ تومان